

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۰

دسترسی مردم این کشور به بازارهای خود جلوگیری کنند. آفریقای جنوبی به هیچ وجه نمی تواند در بازارهای کشورهای توسعه یافته رقابت کند و به همین جهت توسعه اقتصادی در این کشور میسر نمی گردد. داراییهای این کشور، به شکل سهام و ملک، در دست یک اقلیت ثروتمند متمرکز گردیده است.

تجارت "آزاد"، ۹۰ درصد از تجارت آفریقای جنوبی را نصیب اروپا کرده است. در مقابل، اروپا اجازه دسترسی به ۵۰ درصد بازار خود را به این کشور داده است. اروپا به بهانه حفظ بهداشت، موانعی جدی بر سر راه صادرات اجناس و محصولات آفریقای جنوبی ایجاد کرده است. کشورهای اروپایی، تنها راه صادرات ارزان و اجناس خام را به این کشور باز کرده و از صادرات محصولات ساخت آفریقای جنوبی که استقلال و اقتصاد بهتر را با خود به همراه می آورد، جلوگیری می کنند.

ازسوی دیگر، کنگره ملی آفریقا به تلاشی مشتاقانه برای تدوین یک استراتژی که توسعه ملی را پیش ببرد، دست نمی زند. بنا به گفته جنبش مردم بدون زمین (LPM)، با وجود قوانینی که در این زمینه وجود دارد، هیچگونه اقدامی، حتی در سطحی ناچیز، جهت تقسیم اراضی بین سیاهپوستان فقیر صورت نگرفته است. در سال ۲۰۰۳، هنوز ۸۶ درصد از اراضی در اختیار ۱۲۰ هزار کشاورز سفید پوست و دولت مرکزی قرار داشت.

در شهرها نیز به همین روال بازار آزاد سبب تعمیق بیشتر تفاوت سطح زندگی گشته است. برای مثال، رستورانهای زنجیره ای مک دونالد، یکی از ده سرمایه گذارهای بزرگ در بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ بوده اند. به گفته یک توریست: "در هر گوشه ای از شهر بوی چربی سبب زمینی سرخ شده به مشام می رسد و آشغال جعبه های طراحی شده مک دونالد در کنار خیابانها دیده می شود." اگر چه این کمپانی چندین میلیارد دلاری، تعداد زیادی از مردم را به کار گرفته است اما رستورانهای کوچک و محلی یک به یک بسته شده و تعداد کثیر دیگری را به بیکاری کشانده است. تفاوت در چیست؟ آیا این دو بخش ملی و جهانی اقتصاد، در آنها به سمت یک هدف واحد حرکت می کنند؟ هرگز!

زیرا در حالی که سود کسب محلی به رشد اقتصاد کشور کمک می کند، سود کمپانیهای بزرگ، این سرزمین را ترک گفته و برای منافع بیشتر صاحبان آن به دیگر نقاط جهان انتقال می یابند. دولت آفریقای جنوبی به جز قراردادهای تجاری با اروپا، با ایالت متحده آمریکا نیز وارد چنین مناسباتی شده است. مذاکرات تجاری این دو کشور و چند کشور دیگر در منطقه جنوب آفریقا در پایان سال جاری به نتیجه خواهد رسید. این قراردادها به ازدیاد کنترل کمپانیهای مالی در این منطقه کمک خواهد کرد. در واقع برای اینکه آفریقای جنوبی بتواند وارد تجارت "آزاد" با آمریکا شود، همه کشورهای جنوب آفریقا بایستی تمامی بخشهای اقتصاد خود را لیبرالیزه کنند. این شامل خدمات اجتماعی و پایین آوردن یا حذف مالیات کمپانیهای بزرگ نیز می شود. کمپانیهای مزبور باید حق خرید خدمات اجتماعی، زمین و منابع کشورهای طرف قرارداد را با قیمت ارزان از دولتها داشته باشند. همزمان گمرک و تعرفه های محصولات کارخانه های آمریکایی به طور محسوسی باید پایین آورده شود.

با این اقدامات مشخص است که سیاست اقتصادی دولت، بر محور استراتژی ضعیف و کم رنگی استوار گردیده که آنها را در راستای سرازیر کردن ثروت به جیب کمپانیهای بزرگ به حرکت درمی آید. صنعت نوزاد در آفریقای جنوبی، بدون پرورش مانده و اکثریت سیاهپوستان درحاشیه قرار گرفته اند. تمرکز ثروت، سیر رو به پایین مددهای اجتماعی، رونق تن فروشی، جنایت، تروریسم محلی، پیدایش دسته های گانگستری و گسترش مداوم بیماری ایدز را سبب گردیده است. این شرایط ناعادلانه، امید به زندگی و آینده بهتر که رویای میلیونها انسان بود را تبدیل به کابوسی ملی گردانده که راه گریزی نیز ندارد. از این جهت است که اعتراضات مردمی در آفریقای جنوبی بالا گرفته و دولت به دستگیری افرادی که در این جنبشها فعالیت دارند، پرداخته است. از جمله این سازمانها، فوروم علیه خصوصی سازی (APF) و کمیته بحران الکتریسیته سوئوتو می باشند. قابل توجه است که رییس فوروم علیه خصوصی سازی، ترورانگوانه (Trevor Ngwane)، از اعضا سابق کنگره ملی آفریقا است که به دلیل مخالفت با خصوصی سازی از ANC اخراج شده است. او که در سال ۲۰۰۲، به دلیل شرکت در یک تظاهرات دستگیر شده بود می گوید: "کمپانیهایی که به

دنبال بهره وری از منابع طبیعی هستند هرگز سیستمی به وجود نخواهند آورد که در مسیر منافع مردم کم درآمد و فقیر باشد"

ده سال پس از پایان آپارتاید نژادی، سیاه و سفید بار دیگر در لباس میدل در اقتصاد و جامعه پدیدار شده است.

تظاهرات کم نظیر در تاریخ آمریکا علیه بنیادگرایی و جنگ

طلبی بوش

روز یکشنبه ۲۵ آوریل، یک و نیم میلیون نفر از زنان و مردان آزادیخواه از اکثر ایالتهای آمریکای شمالی به شهر واشنگتن دی سی آمده و برای حق سقط جنین و دیگر حقوقی که به سلامت و درمان زنان ارتباط دارد، به یک راهپیمایی بزرگ دست زدند. این تظاهرات که یکی از بزرگترین اعتراضات جمعی در تاریخ آمریکای شمالی بود، در اعتراض به سیاستهای دولت بوش علیه زنان صورت گرفت.

هنرمندان معروفی مانند وویی گولدربرگ، کاترین ترنر، سیبیل شپرد و اشلی جاد و خوانندگان چون انی دی فرانکو، موبی و ایندیگو گرلز و رهبران هفت تشکل سازماندهنده تظاهرات نیز از جمله شرکت کنندگان این اعتراض مردمی بودند. نمایندگان سازمان ملی زنان، تدارک خانواده، اقدام ملی حق سقط جنین، التزام به سلامتی زنان سیاه پوست، اتحادیه آزادی مدنی آمریکا، زنان اکثریت و انیستیتو ملی آمریکای لاتین برای بهداشت بارداری و بسیاری دیگر، از سخنرانان این تجمع بودند. شعارهای تظاهر کنندگان شامل "سقط جنین قانونی باید باشد"، "بدن من انتخاب من" و "جنگ رادیکال را بچنگید" و همچنین "قانون را از بدن من دور کنید" بود.

آنچه که به این تظاهرات وزن ویژه ای می دهد این است که شرکت میلیونی مردم در آن، نمایانگر خشم آنان نسبت به یورش دولت بوش علیه حقوق دموکراتیک مردم است. تظاهر کنندگان با هدف محکوم کردن تلاش بوش برای پایداری دستاوردهای آنان در طی سالها مبارزه برای آزادی گرد آمده بودند. با این حال، بسیاری از سازمان دهندگان این تجمع سعی کرده بودند آثرا به اجتماعی در حمایت از حزب دموکرات تبدیل کنند. هلری کلینتون و هاوارد دین، کاندید سابق ریاست جمهوری که از دور خارج شد، فرصت را غنیمت شمارده و برای جان کری دست به تبلیغ انتخاباتی زدند.

اگر چه کری ادعا می کند که مدافع آزادی حق انتخاب زنان در سقط جنین است اما خود برای راضی نگاه داشتن اربابانش و رسانه های وابسته به آنها، در این تظاهرات شرکت نکرده بود. در واقع دموکراتها هیچگاه برای دفاع از این حق طبیعی جدی نبوده اند به طوری که در ماه گذشته، وقتی بوش قانون "حفاظت (از) کودک متولد نشده ی حاصل یک عمل خشونت بار" را امضا کرد، از حمایت بی چون و چرای آنان بر خوردار شد. طبق این قانون، زن و کودک متولد نشده دو موقعیت جداگانه و بدون ارتباط با یکدیگر خواهند داشت و بنا بر این جایگاه متفاوتی در قانون به آنها داده می شود. در این صورت سقط جنین می تواند برابر با قتل باشد.

بوش که از نخستین روز به قدرت رسیدن، به دشمنی و حذف حقوق زنان پرداخت، در این راه ایده های واپسگرایانه ای را مطرح کرد که ریشه در بنیادگرایی مذهبی او دارد. خانم کارن هیوز، یکی از مشاوران بوش، طی بیانیه ای سقط جنین را به فاجعه ۱۱ سپتامبر ربط داده و گفت: "من فکر می کنم بعد از ۱۱ سپتامبر زنان آمریکایی به زندگی اهمیت بیشتری می دهند و ما به قوانینی نیاز داریم که ارزش و مقام زندگی را مد نظر قرار دهد." بوش نیز در این باره می گوید: "بیائید به زندگی بها بدهیم، بیایید شمار این عمل را پایین بیاوریم و از کودکان بی سرپرست حمایت و نگهداری کنیم." او می افزاید: "این سیاستهایی است که مردم آمریکا باید از آن حمایت کنند."

اگر چه فنانیسم مذهبی بوش با قوانین ضد زن و غیر قانونی کردن سقط جنین زندگی بسیاری از زنان را با رو آوردن به راههای غیر قانونی و ناامن در معرض خطر قرار می دهد و این تم کلی تظاهرات اخیر بود، اما تهاجم به حقوق زنان به ویژه حق سقط جنین از آن رو با اعتراضات وسیعتر روبروگشته است که تداوم دموکراتیک بوش در دیگر عرصه ها، سیاست دولت او را قابل لمس تر گردانده. اکثر شرکت کنندگان در این تظاهرات انزجار خود را نسبت به دولت بوش در دیگر زمینه ها به ویژه جنگ، ابراز می کردند.

این اعتراض، علیه نابرابریهای اجتماعی، تمرکز ثروت در دست تعدادی کم شمار، محو حقوق دموکراتیک مردم، جنگ و اثرات ناشی از آن بود.